

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« اعلّموا انا الحیوه الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخریه منکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعبج الکفار نباتة ثم ھیج
قراه مصفرا ثم یرکون حطاما و فی الاخرة عذاب شدید و معقره من الله و رضوان و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور»

حدید ۲۰

دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رساله جهت دریافت درجه دکتری در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان:

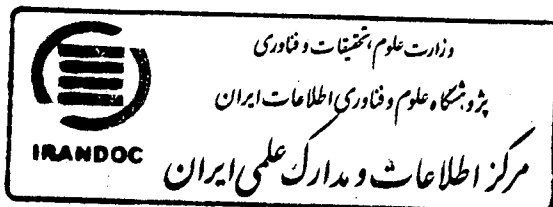
اصل صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی و اعمال آن در
موارد ناتوانی و عدم تمایل دولت

استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی خالقی

استادان مشاور: جناب آقای دکتر محمد آشوری
جناب آقای دکتر امیرحسین رنجبریان

دانشجو: امیرمسعود مظاهری

نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸



۱۵۲۰۵۵

۱۳۸۹/۱۱/۲۰



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____
تاریخ _____
پیوست _____

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب **ابرسعود زنگی** متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء **ابرسعود زنگی**

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی حقوق جزا و جرم شناسی
گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری : امیرمسعود مظاهری سیجانی

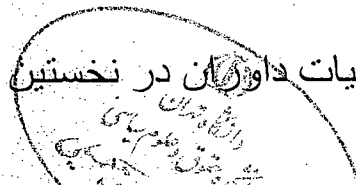
در رشته : حقوق جزا و جرم شناسی : گرایش :

باعنوان : صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی و اعمال آن در موارد ناتوانی و عدم تمایل دولت

را در تاریخ : ۱۳۸۹/۹/۱۵ با درجه عالی (نوزده) ارزیابی نمود .

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر علی خالقی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر محمد آشوری	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر امیرحسین رنجبریان	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر سیدقاسم زمانی	استادیار	دانشگاه علامه طباطبائی	
۵	استاد مدعو خارجی	۱۳۸۹/۱۱/۲			
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر عباسعلی کدخدایی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی				
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر عباسعلی کدخدایی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد



تقدیم

تقدیم به پیشگاه قدسی سرچشمه پائی ما حضرت زهرا سلام... علیها که حجت پروردگار بر پیشوایان دین بود، کوهر یکدانه ای که ناپیدا بودن مدفنش کو اسی همیشگی بر مظلومیت اوست!

و تقدیم به آنان که در هر کسوتی با اعراض از عافیت طلبی موجب سرفرازی میهن عزیزمان بوده و مستند به ویژه کسانی که بی ادعا از جان خود گذشته و می گذرند تا به ایران و ایرانی عزت و افتخار هدیه دهند؛ خصوصاً شهدای گمنام همچون شهید رضاصالحی که سم مادر بزرگوارش از جوان دلنندش چیزی جز بیست و پنج سال انتظار برای رسیدن خبری و یا یافتن اثری حتی پلاکی و قطعه ای استخوانی نبود!

و تقدیم به چراغ راهم، پدرم، او که شوق اصلی من در برگزیدن تحصیل علم به عنوان اشتغال ایام جوانی بود!

و مادرم آن یگانه مهر و ایثار که وجودم از وجود اوست!

و همسر پرشور، مشکرم که با روحیه علمی و ساعی خود در تهیه رساله یاد من بود و البته پدر و مادر گرامی اش که اگر یاری شان نبود گذر از این مرحله صعب، بسی سخت تر می بود!

و نوگلستان زندگی! هدیه شب قدر، محمد پارسا، باشد که با عنایت پیامبر اعظم و شهید شب قدر، پارسایی رانش خود در زندگانی کند!

و همچنین دیگر اعضای خانواده ام که همواره دعای خیرشان بدرقه راهم بوده است!

و آنان که مرا معرفی نمودند آموزگاران و استادان بزرگوارم که بر دستشان بوسه می زنم! به ویژه استاد عزیزم جناب آقای محمد علی صدیقی.

پاس از همه آموزگاران و استادان عزیز و کرامت‌مندی که در برابرشان سر تعظیم فرود می‌آورم، به ویژه (به ترتیب حروف الفبا):
 دکتر علی آتایان که بسیار از محضرشان بهره‌جستم، دکتر محمد آشوری که شناخت حقوق کیفری شکلی عدالت محور موهبت‌آمیز محضر ایشان بود؛
 دکتر حسین آقایی نیانخستین استادم در عرصه حقوق کیفری که بذریعۀ رابطه‌ی رشتۀ راد در خرده‌سالگی در وجود من نهاد؛ دکتر سید محمد حسینی که با
 استفاده از منابع فقهی و حقوق روز، خودباوری را به دانشجویان می‌آموزند؛ دکتر علی خالقی، که با اخلاق بسیار پسنیده و روحیه‌ی هدایت‌گرانه
 اینجانب را در تهیه این رساله راهنمایی کردند؛ دکتر امیر حسین رنجبریان که به‌واقع همچون راهنمایی دل‌سوز سهم عمده‌ای در ارتقاء کیفیت این رساله
 داشتند؛ دکتر ابوالقاسم کریمی که دقت و اجتهاد ایشان در باب استنباط، راهگشای من بود؛ دکتر جمشید ممتاز که موجب مباهات ایرانیان در
 عرصه حقوق بین‌المللی است و نام گرامی ایشان برای دانشجویان ایرانی در مراکز علمی اروپایی موجب احترام و تکریم است؛
 شکر ویژه از استادان کرامت‌مندان و آقا یان و دکتر عباسعلی که خدایي و دکتر سید قاسم زمانی که بار، نمودهای ارزشمند در رفع اشکالات رساله سعی
 نمودند و همچنین شکر از مدیریت محترم گروه، جناب آقای دکتر غلامحسین الهام که کمال مساعدت را جهت برگزارد شدن به موقع جلد دفاع
 مصروف داشتند.

همچنین پاس فراوان از دوستان عزیز و فریخته‌ام آقای دکتر حسین سادات میدانی، آقای حمیدلثقی، آقای سید محمد حسن رضوی، آقای
 دکتر فریدون جعفری، جناب آقای محمد سلیمی که در غنا بخشیدن به منابع دست اول برای تهیه رساله یاور من بودند.

۱	چکیده:
۲	مقدمه
۲	• تبیین موضوع
۵	• انگیزه گزینش موضوع
۶	• پرسش های تحقیق
۷	• فرضیه های تحقیق
۸	• پیشینه تحقیق
۹	• روش تحقیق
۱۱	• سازماندهی مباحث

۱۲	بخش نخست: چستی اصل صلاحیت تکمیلی
----	----------------------------------

۱۳	فصل نخست: صلاحیت تکمیلی تدبیری برای مبارزه با بی کیفی در جنایات بین المللی
----	--

۱۶	مبحث نخست: مفهوم، مستندات و تاریخچه صلاحیت تکمیلی
----	---

۱۷	گفتار نخست: تعریف لغوی و اصطلاحی و مستندات صلاحیت تکمیلی
----	--

۱۷	۱. معنای لغوی
----	---------------

۱۷	۲. معنای اصطلاحی
----	------------------

۲۰	۳. مستندات اصل صلاحیت تکمیلی
----	------------------------------

۲۱	گفتار دوم: تاریخچه صلاحیت تکمیلی
----	----------------------------------

۲۱	۱- تلاش های نخستین (تا ۱۹۹۰)
----	------------------------------

۲۴	۲- تلاش های سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ (اقدامات کمیسیون حقوق بین الملل)
----	---

۲۸	۳- کمیته ویژه (۱۹۹۵)
----	----------------------

۳۰	۴- کمیته تدارک (۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸)
----	-------------------------------

۳۲	۵- کنفرانس رم (۱۹۹۸)
----	----------------------

۳۳	مبحث دوم: صلاحیت تکمیلی، تدبیر نسل چهارم محاکم بین المللی کیفری برای رفع نقص روشهای پیشین
----	---

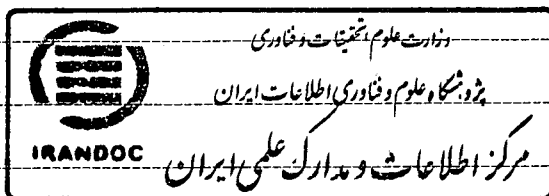
۳۴	گفتار نخست: نسل نخست محاکم بین المللی
----	---------------------------------------

- گفتار دوم: نسل دوم از محاکم بین المللی ۳۹
- ۱- دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق ۴۰
- ۲- دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا ۴۲
- گفتار سوم: نسل سوم محاکم بین المللی ۴۵
- گفتار چهارم: نسل چهارم محاکم بین المللی ۴۸
- ۱- تاریخچه ۴۸
- ۲- ویژگیها ۵۱
- ۳- اهداف تشکیل دیوان ۵۴
- ۴- وضعیت های مورد رسیدگی ۵۵
- مبحث سوم: صلاحیت تکمیلی درجه ورود به دادرسی جزایی بین المللی ۵۸
- گفتار نخست: مقایسه رسیدگی مرجع بین المللی با رسیدگی مرجع ملی به استناد صلاحیت سرزمینی و شخصی ۶۰
- گفتار دوم: مقایسه رسیدگی مرجع بین المللی با رسیدگی مرجع ملی به استناد صلاحیت جهانی ۶۴
- گفتار سوم: آثار اختصاصی دادرسی های بین المللی ۶۹
- مبحث چهارم: بنیادهای صلاحیت تکمیلی ۷۲
- گفتار نخست: چرخش در مفهوم سستی حاکمیت ۷۲
- گفتار دوم: تعهد بین المللی دولت سرزمینی در کیفر جنایات بین المللی ۷۶
- ۱- اصل عدم مداخله ۷۷
- ۲- استقلال قضایی ۷۷
- گفتار سوم: واکنش به جنایات بین المللی تکلیف اعضای جامعه بین المللی ۷۹
- مبحث پنجم: اهداف صلاحیت تکمیلی ۸۲
- گفتار اول: احترام به حاکمیت دولتها ۸۲
- گفتار دوم: ارتقاء عدالت کیفری در کشورها ۸۴
۱. تصویب قوانین کافی ۸۵
۲. انجام دادرسی های استاندارد ۸۷
- گفتار سوم: فراهم کردن موجبات رسیدگی موثر در دیوان ۸۸

- گفتار چهارم: مراقبت از اقدام دستگاه قضایی ملی در مبارزه با بی کیفی ۹۱
- فصل دوم: پیش شرطهای اجرای صلاحیت تکمیلی ۹۳
- مبحث نخست: صلاحیت ۹۴
- گفتار نخست: صلاحیت ذاتی یا موضوعی ۹۵
۱. نسل زدایی ۹۶
۲. جنایات علیه بشریت ۹۸
۳. جنایات جنگی ۱۰۲
۴. جنگ تجاوزکارانه ۱۰۵
- گفتار دوم: صلاحیت مکانی ۱۰۷
۱. طرفداری از اعطای صلاحیت جهانی به دیوان ۱۰۸
۲. مخالفت با اعطای صلاحیت جهانی به دیوان ۱۰۹
- گفتار سوم: صلاحیت زمانی ۱۱۲
- گفتار چهارم: صلاحیت شخصی ۱۱۷
- مبحث دوم: قابلیت پذیرش موضوع ۱۲۱
- گفتار نخست: وخامت و شدت جنایت ارتكابی ۱۲۴
- گفتار دوم: وجود مصلحت تعقیب قضیه در دیوان ۱۲۹
۱. شدت جنایات ۱۳۲
۲. منافع بزه‌دیدگان ۱۳۲
۳. اوضاع و احوال خاص متهم ۱۳۳
۴. مذاکرات صلح و تامین غبطه عدالت ۱۳۴
- گفتار سوم: دادرسی حقیقی، انتظار جامعه بین المللی ۱۳۵
۱. مفهوم دادرسی حقیقی ۱۳۵
۲. ملاک دادرسی حقیقی ۱۳۶
۳. اعتبار قضیه مختومه، نتیجه پیش فرض دادرسی حقیقی ۱۳۶
- مبحث سوم: ناتوانی مرجع ملی در انجام دادرسی حقیقی ۱۴۱
- گفتار نخست: فروپاشی کامل و یا اساسی ۱۴۴
- گفتار دوم: در دسترس نبودن ۱۴۵
۱. موانع قانونی توسل به دستگاه قضایی ۱۴۷
۲. موانع عینی توسل به دستگاه قضایی ۱۴۸

۱۴۹	گفتار سوم: قراین دیگر بر ناتوانی دولت
۱۵۰	مبحث چهارم: عدم تمایل مرجع ملی به انجام دادرسی حقیقی
۱۵۳	گفتار نخست: مصون داشتن از مسئولیت کیفری
۱۵۴	۱. جلوگیری از سزادهی
۱۵۵	۲. مسئولیت کیفری
۱۵۵	۳. شخص موضوع حراست
۱۵۵	۴. قرائن دال بر قصد دولت به مصون داشتن فرد
۱۵۷	گفتار دوم: تاخیر ناموجه
۱۵۹	گفتار سوم: فقد استقلال و بی طرفی
۱۶۰	۱. استقلال قضایی
۱۶۲	۲. بی طرفی در دادرسی
۱۶۴	۳. قدر مشترک ماده ج/ ۱۷/۲
•	
۱۶۶	بخش دوم: اجرای صلاحیت تکمیلی
۱۶۹	فصل نخست: شروع دادرسی
۱۷۰	مبحث نخست: ساز و کارهای شروع تحقیق
۱۷۱	گفتار نخست: شروع تحقیق به ابتکار دادستان
۱۷۱	۱. آیین تحقیق به ابتکار دادستان
۱۷۴	۲. رویه عملی دیوان
۱۷۵	گفتار دوم: ارجاع توسط دولت ها
۱۷۵	۱. آیین ارجاع وضعیت از سوی دولت
۱۷۷	۲. امر مرجوعه به دیوان
۱۷۷	۳. رویه عملی دیوان
۱۷۹	۴. وضعیت ویژه غزه
۱۸۳	گفتار سوم: ارجاع شورای امنیت
۱۸۶	۱. آیین ارجاع توسط شورای امنیت
۱۸۹	۲. ویژگیهای ارجاع توسط شورای امنیت
۱۹۱	۳. رویه عملی دیوان

۱۹۴	مبحث دوم: احراز صلاحیت و قابلیت پذیرش
۱۹۶	گفتار نخست: ارسال اعلامیه به دولت ها
۱۹۷	۱. محتوای اعلامیه
۱۹۸	۲. دولتهایی که دادستان خطاب به آنان اعلامیه ارسال می کند
۲۰۳	گفتار دوم: اعتراض به صلاحیت و قابلیت پذیرش
۲۰۶	۱. صاحبان حق ایراد
۲۱۲	۲. محتوای ایراد
۲۱۴	۳. آیین طرح ایراد
۲۱۵	۴. رای ابتدایی در باب قابلیت پذیرش
۲۱۵	۵. نقش افراد ثالث
۲۱۶	۶. محدودیت های حق ایراد
۲۱۸	۷. مرجع دریافت ایراد
۲۱۸	۸. اثر طرح ایراد و اقدامات بعدی
۲۲۳	گفتار سوم: پژوهش از تصمیم راجع به ایراد عدم قابلیت پذیرش
۲۲۷	فصل دوم: تحقیق و تصمیم در خصوص تعقیب
۲۲۸	مبحث نخست: تحقیقات مقدماتی
۲۲۸	گفتار نخست: ساز و کار تحقیق دادسرا
۲۳۱	۱. کسب اطلاع از دولت های صلاحیت دار
۲۳۵	۲. جمع آوری اطلاعات از منابع موثق
۲۳۷	۳. تحقیق از شهود، بزه دیدگان و مطلعین
۲۴۴	گفتار دوم: نظارت شعبه مقدماتی
۲۴۴	۱. کنترل قضایی دادستان در حقوق ملی
۲۴۶	۲. کنترل قضایی دادستان در دادگاه های بین المللی ویژه
۲۴۷	۳. نظارت قضایی بر دادستان در دیوان بین المللی کیفری
۲۴۷	آ. ضرورت تنفیذ شروع به تحقیق به ابتکار دادستان
۲۵۱	ب. صدور احضاریه و جلب و بازداشت
۲۵۳	ج. رویه عملی دیوان
۲۵۷	د. نظارت بر اجرای دستور جلب در مرجع ملی
۲۵۷	ه. تخفیف و تبدیل قرار بازداشت
۲۵۹	و. تامین دلیل با نظارت و آموزش شعبه مقدماتی



۲۶۰	مبحث دوم: دلیل و بار اثبات
۲۶۲	گفتار نخست: نظام ادله آزاد و ارزیابی ادله
۲۶۴	گفتار دوم: قدرت دلیل و آستانه اثبات
۲۶۵	۱. بار اثبات بر عهده کیست؟
۲۶۶	۲. انتقال بار اثبات
۲۶۷	۳. تسهیل در ارزش اثباتی دلیل
۲۶۸	۴. مبانی معقول از منظر دیوان
۲۷۰	۵. آستانه مبنای کافی
۲۷۱	گفتار سوم: رویه عملی دیوان در ارتباط با ادله
۲۷۸	گفتار چهارم: ارزش اثباتی ادله و حقوق متهم
۲۷۹	۱. شهادت شهود
۲۸۰	۲. اقرار متهم
۲۸۱	۳. دلایل باطل
۲۸۲	مبحث سوم: تصمیم در باب تعقیب
۲۸۳	گفتار نخست: تصمیم به عدم تعقیب
۲۸۴	۱. تعلیق تعقیب به درخواست دولت
۲۸۵	آ. موافقت دادستان با تعلیق
۲۸۶	ب. مخالفت دادستان با تعلیق
۲۸۷	۲. تعلیق به دستور شورای امنیت
۲۸۸	۳. تعلیق به ابتکار دادستان
۲۸۹	گفتار دوم: نظارت بر تعلیق
۲۹۲	گفتار سوم: تصمیم به تعقیب
۲۹۲	۱. نظارت بر دادستان در حقوق ملی
۲۹۴	۲. نظارت بر تصمیم به تعقیب در دادگاه های بین المللی ویژه ...
۲۹۴	۳. نظارت بر تصمیم به تعقیب در دیوان بین المللی کیفری
۲۹۷	نتیجه گیری
۳۰۸	پیشنهادها
۳۱۰	چکیده به زبان انگلیسی
۳۱۱	منبع شناسی

چکیده:

اصل صلاحیت تکمیلی وسیله دادرسی در سطح بین المللی و در دیوان بین المللی کیفری است. صلاحیت تکمیلی یکی از مهمترین مسائل مربوط به دیوان بین المللی کیفری به شمار می رود. این اصل که از آن به عنوان سنگ بنای دیوان یاد می شود نقش بسیار مهمی در اقبال دولتها برای پیوستن به دیوان و همکاری با این مرجع بین المللی داشته است.

ثبوت صلاحیت تکمیلی دیوان منوط به احراز صلاحیت ذاتی، زمانی، مکانی و شخصی دیوان از یک سو و احراز قابلیت پذیرش موضوع، مرکب از عدم اقدام یا ناتوانی و عدم تمایل به انجام دادرسی حقیقی از سوی دیگر و همچنین احراز غبطه عدالت در پی انجام دادرسی در دیوان است.

هویداست که رای به صلاحیت و قابلیت پذیرش یک واقعه جنایت کارانه فجیع در مرجعی بین المللی، تبعات فراوانی برای دولتها دارد که نشستن برچسب عدم تقید به تعهدات بین المللی، عدم کفایت اقدامات آن دولت در مبارزه با جنایتکاران بین المللی، گاه همسویی و همدستی با عاملان جنایات و نهایتاً بی اعتنائی مرجع بین المللی به حاکمیت ملی و برخاستن آن به جبران نقص ها و نقض های وارده بر پیکر عدالت در عرصه ملی از اهم آن است.

صلاحیت تکمیلی دیوان با تاکید بر اولویت رسیدگی در سطح ملی و تبیین مع الواسطه انتظارات خود از نحوه برخورد با جنایات بین المللی، به ارتقاء سطح عدالت کیفری در دولتها و تامین صلح و امنیتی پایدار کمک می کند. در عین حال، شیوه عملکرد دیوان در برخورد با جنایات بین المللی نواقصی دارد که خاتمه بخشیدن به بی کیفری را آرمانی دور از دسترس برای دیوان کرده است.

از سویی تفسیر پذیر بودن ضوابطی که به قابلیت پذیرش موضوع در دیوان می انجامد و استعداد بالقوه دیوان در مبدل شدن به نهادی برای استفاده ابزاری از آن در جهت نیل به اهداف بعضاً سیاسی شورای امنیت و برخی دولتهای عضو و همچنین دادستان، دقت در تفسیر و شیوه اجرای این اصل را با تمسک به اصول و مبانی حقوقی، اسناد و معاهدات بین المللی و رویه های قضایی طلب می کند.

رساله حاضر به شناسایی ماهیت اصل صلاحیت تکمیلی، اجزاء، اهداف و مبانی آن، نحوه ثبوت و سرانجام اجرای این اصل با توجه به سوابق تاریخی، اسناد بین المللی و منطقه ای، رویه های محاکم بین المللی و دیوان و مواضع مقامات قضایی و صاحب نظران پرداخته است؛ باشد که دست آورد آن برای تدبیر ابزارها و روش های مورد توجه دیوان برای شناسایی نظام قضایی باکفایت موثر واقع شود.

• تبیین موضوع

وقوع جنایات دهشتناک بین المللی که در آن هزاران انسان بی گناه قربانی افزون طلبی های ارباب زر و زور می گردند همواره وجدان بشر را آزرده و آرامش خاطر او را برای زیستن در فضایی امن با مخاطره روبه رو نموده است.

ارتکاب جنایات بین المللی که نمادی از توحش برخی ابناء بشر است موجبات انشقاق جوامع انسانی را فراهم می آورد و صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره می اندازد و در صورتی که با آن مبارزه ای موثر صورت نگیرد، دیگر این کره خاکی زیستگاه مناسبی برای انسانها نخواهد بود.

جنایات بین المللی مورد بحث آن قدر شدید، غیر قابل تحمل و منفور هستند که در قاموس حقوق بین المللی کیفری جنایتی شدید تر از آنها وجود ندارد. لذا نه تنها به لحاظ حقوقی و نظری هیچ عاملی توجیه کننده آن جنایات نیست و هیچ وجدان آزادی در نکوهش و تقبیح آن تردید به خود راه نمی دهد، بلکه غیر قابل عفو و اشمال مرور زمان نیز می باشند و انتظار جامعه بشری، اجرای عدالت در مورد همه جنایتکاران و حداقل سردمداران آن اعمال وحشیانه می باشد؛ چرا که اجرای عدالت لازمه ضروری صلح پایدار می باشد؛ چه گفته اند صلح بدون عدالت صلح نیست.

مبارزه با عاملان جنایات بین المللی همواره با مصاعب و مشکلات عدیده ای مواجه بوده است. عمده این مشکلات ریشه در استنادی ناموجه به حق حاکمیت دولت ها و توابع آن دارد؛ همچنین، خروج مرتکبان جنایات از کشور محل وقوع جنایت، پناهنده شدن عاملان جنایات به دولتهای هم داستان با خود، وجود مناسبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دولتهای مختلف بایکدیگر و احیاناً با جنایت کاران، مصونیت سران دولتها در حقوق بین المللی، مشکلات ناشی از استرداد مجرمان، حاکم بلامنازع بودن جنایت کاران در محل وقوع جنایت، و یا قدرتمند بودن آنان به نحوی که دولت مرکزی را یارای مقابله با آنان نباشد، و همچنین فقد سازوکاری مشخص که در عین صلابت در برخورد با چنین جنایاتی بتواند با اتکاء بر انصاف و عدالت به دادگستری بپردازد، از آرزوهای دیرین بشر بوده است.

تلاش های صورت گرفته در عرصه بین المللی منجر به اعمال دو شیوه در مبارزه با جنایات بین المللی شد. نخست، تحمیل تکلیف محاکمه و مجازات جنایت کاران بین المللی در

مراجع ملی دولت‌ها و در کنار آن توسعه صلاحیت قضایی داخلی در قالب توسعه اصل صلاحیت جهانی و دیگری تشکیل مراجعی که حاصل اراده جمعی دولت‌ها بوده و به نام محاکم بین‌المللی در ادبیات حقوق بین‌المللی کیفری شناخته شده است. این تلاش‌ها به تشکیل چهار گروه دادگاه به اصطلاح بین‌المللی انجامیده است.

نسل نخست این دادرسی‌ها را محاکمات مغلوبین توسط غالبان جنگ‌ها تشکیل می‌داد، در نسل دوم، محاکمات توسط مراجعی که به موجب قطعنامه شورای امنیت تشکیل شده‌اند صورت می‌گرفت و نسل سوم محاکم بین‌المللی را دادگاه‌های ترکیبی بین‌المللی شده که از تعامل مراجع داخلی و بین‌المللی تشکیل شده‌اند را تشکیل می‌داد. ایرادات و نواقصی که به شرح آتی فرا روی سه نسل مذکور محاکم بین‌المللی وجود داشت، همچنین مشکلات دولتها در برخورد با جنایات بین‌المللی به استناد صلاحیت جهانی، انگیزه‌ها را برای تاسیس دیوانی دائمی که حاصل تعامل تعداد بیشتری از دولتها و هم‌افزایی آنان در مبارزه با جنایات بین‌المللی باشد را تقویت نمود.

تلاش‌ها برای مبارزه جامع با جنایات سرانجام با تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ژوئن ۱۹۹۸ به ثمر نشست. این امر پس از سلسله فعالیت‌های گسترده نهادهای درگیر در موضوع، در نشست رم حاصل گردید. به حکایت مشروح مذاکرات نشست رم و همچنین مذاکرات و گزارش‌های کارگروه‌های مقدماتی تهیه‌شده پیش‌نویس اساسنامه، گنجانیدن اصل صلاحیت تکمیلی در اساسنامه اثر غیر قابل‌انکاری در موافقت دولتها با تصویب دیوان بین‌المللی کیفری داشته است.

اصل صلاحیت تکمیلی ناظر بر اجرای صلاحیت قضایی دیوان است. صلاحیت تکمیلی، ویژگی اختصاصی دیوان بین‌المللی کیفری است که آن را از سایر نهادهای قضایی شناخته‌شده بین‌المللی همچون دادگاه بین‌المللی رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق^۱ و دادگاه بین‌المللی رسیدگی به نسل‌زدایی در رواندا^۲ به جهات مختلف مجزا می‌کند. اساسنامه رم دولتها را اولین مسئول در تعقیب جنایات بین‌المللی می‌شناسد. دیوان صرفاً زمانی اقدام به رسیدگی می‌کند که مراجع قانونی داخلی اقدام لازم را انجام ندهند و یا اقدام توأم با ناتوانی و عدم تمایل به انجام دادرسی حقیقی به عمل آورند. اصل صلاحیت تکمیلی بر دو امر استوار است: احترام به صلاحیت نخستین دولتها و در ثانی ضرورت تاثیر گذاری و موثر بودن مداخله بین‌المللی.

^۱ - ICTY

^۲ - ICTR

این اصل بسیار مهم که از آن به عنوان سنگ بنای دیوان بین‌المللی کیفری یاد می‌شود، ابتدائاً بیان‌گر نقطه انتقال اجرای عدالت از سطح ملی به سطح بین‌المللی است و سازوکار تعامل دیوان بین‌المللی کیفری با مقامات مسوول در سطح داخلی در برخورد با جنایات بین‌المللی را بیان می‌کند. داعیه تدوین کنندگان اساسنامه دیوان، خاتمه دادن به بی‌کیفری مسوولان عمده جنایات بین‌المللی است و البته تلویحاً در دیباچه اساسنامه تأکید دارد که این مهم مگر با همکاری دولتها و التزام آنان به تعهدات بین‌المللی خود در تعقیب و مجازات مرتکبان جنایات محقق نخواهد شد.

اصل صلاحیت تکمیلی، با استقبال‌ها و تردیدهای گوناگونی مواجه بوده است و در مسیر تکوین و تکامل خود کارکردهای متفاوتی یافته است که در کنفرانس بازنگری کامپالا ۲۰۱۰ نیز از موضوعات اصلی بود که در کانون توجه دولتها قرار داشت.

از آنجا که اصل صلاحیت تکمیلی، سازوکار ورود نهادی بین‌المللی با حیثیتی جزایی را به موضوعاتی باز می‌کند که اصالتاً به اقتضای حاکمیت و استقلال دولت در صلاحیت مراجع ملی همان دولت است، و علیرغم آنکه این دیوان بر مبنای معاهده پدید آمده است ممکن است صلاحیتش به واسطه ارجاع موضوع از سوی شورای امنیت به دولتهای غیر عضو نیز تحمیل گردد، و خصوصاً اینکه ضابطه طرح هر وضعیتی در دیوان، احراز شرایط مورد نظر اساسنامه رم در قالب صلاحیت تکمیلی دیوان که مرکب از صلاحیت و قابلیت پذیرش است می‌باشد و اینکه مادامی که دولتی توانایی و تمایل کافی برای انجام دادرسی حقیقی در خصوص مرتکبان جنایات را داشته باشد موضوع قابل پذیرش در دیوان نخواهد بود و در عین حال هر چند تلاش شده تا ضوابطی را که اساسنامه برای معرفی ناکارآمدی نظام قضایی داخلی معرفی می‌کند تا حد امکان عینی باشد لکن همچنان تاب تفسیر از سوی دادستان را می‌یابد و ممکن است هدف اولیه تشکیل دیوان بین‌المللی را که کمک به نظام‌های ملی و یا جبران نقص و نارسایی آنان در سزادهی مرتکبان جنایات بین‌المللی است را به بن بست بکشاند و ابزاری برای اعمال مواضع سیاسی برخی دولتهای تاثیرگذار در عرصه بین‌المللی گردد و آن گونه شود که دولتها در ابتدا از تشکیل چنین مرجعی هراسان بودند. علاوه بر شناسایی چیستی و معیارهای تشخیص صلاحیت و قابلیت پذیرش، پس از ورود دیوان به موضوع، نحوه تعامل آن با دولت محلی از حساسیت‌های ویژه‌ای برخوردار است. چرا که در این رسیدگی‌ها نحوه‌گزینش شیوه تحقیق و بررسی مسائلی که مرتبط با امنیت ملی یک دولت است و اطلاعات به دست آمده به علاوه ترتیب دادن یک محاکمه عادلانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا از نظر اینجانب، موضوع، بسیار حائز اهمیت و واجد جذابیت‌های ویژه قلمداد شده است.

شایان ذکر است که این تاسیس بسیار مهم از زوایا و ابعاد گوناگون شایستگی مطالعه و بررسی دارد؛ لکن رویکرد نویسنده با توجه به رشته ای که این رساله در حوزه آن تهیه گردیده است متمرکز بر تبیین این اصل و نحوه اجرای آن در موارد ناتوانی و عدم تمایل دولت در رسیدگی حقیقی به جنایات بین المللی می باشد. تلاش نگارنده در جهت به دست دادن ضوابطی است که حاکی از ناتوانی و عدم تمایل دولت به اجرای حقیقی عدالت است و می تواند اقدام دیوان در اعلام دستگاه قضایی ملی به عنوان نهادی ناتوان یا غیر مایل به رسیدگی حقیقی با ضوابطی عینی تر همراه سازد تا از این رهگذر ضمن واکنشی موثر در برابر جنایتکاران بین المللی، حق و تکلیف دولتها در واکنش به جنایات بین المللی مورد تاکید قرار گیرد و آیین تعامل دیوان و دولت تشریح گردد.

• انگیزه گزینش موضوع

علاقه مندی نگارنده به موضوع حاضر در دوره کارشناسی ارشد و در درس حقوق جزای بین الملل استاد دکتر علی آزمایش شکل گرفت. ایشان تحذیر کردند: « حقوق بین المللی کیفری رشته جدید، جذاب و دارای آینده روشنی است. این رشته از ارزش های والایی که میان همه انسان ها در سرتاسر جهان مشترک است دفاع می کند و داعیه آن پایان دادن به بی مجازات ماندن مرتکبان اصلی جنایات بین المللی و متجاوزان به حقوق آنان می باشد. اما مراقب باشید مفتون این رشته نشوید و جاذبه های موجود در آموزه های بشردوستانه آن شما را فریب ندهد. مراقب حفظ حاکمیت کشورتان باشید، مبدا غفلت ناشی از پرداختن به مسائل پر ارزش مطروحه در این رشته به قیمت تسلط یافتن بیگانگان بر کشور گردد ... »

به باور اینجانب، ارزش های والای مورد حمایت در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری از جمله اموری است که عقل مستقل، تقویت و توسعه آن را واجب قلمداد می کند. حقیقتاً با داشتن مرجع قضایی مستقل و کارآمد که از حاصل جمع اراده مشترک دولتها پدید آمده است می توان به مبارزه موثر تر با جنایتکاران بین المللی پرداخت و به صورتی نظام مند و نهادینه یاور مظلوم و خصم ظالم در سطحی بین المللی بود. اما نگرانی از فرمایش استاد و تجربه تاریخی از روش های نرم مغرب زمین برای تسلط به دیگران و رفتار دوگانه قدرت های بزرگ در برخورد با جنایات بین المللی، اینجانب را به تلاش برای شناسایی آن روزنه رهنمون ساخت.

به باور تهیه کننده این رساله، ضمن احتراز از سوء ظن مضر به تحقیق و پیش داوری، اصل صلاحیت تکمیلی و نحوه اعمال آن، همان منفذی است که استاد خطرش را هشدار دادند.

این امر موضوعی بسیار ظریف است که می تواند مورد سوء استفاده ابزاری قرار گرفته و به ابزاری برای سلطه جویی قضایی بر دولت های مستقل بدل گردد.

اصرار بر تکمیلی و ثانوی بودن صلاحیت دیوان که انگیزه غاطبه دولت ها برای پیوستن به دیوان بوده است و در عین حال اختیارات گسترده دادستان در باب اعلام قابلیت پذیرش و یا غیر قابل پذیرش بودن موضوعی در دیوان، همچنین وجود ظرفیت های متنوع که دیوان را برای برخورد هایی گزینشی در مواجهه با وضعیت های مشابه مستعد می سازد از قرائن دال بر این تشخیص است. به اعتبار صلاحیت تکمیلی دیوان، دادستان می تواند راساً و یا با اعلام شورای امنیت سازمان ملل، با احراز اینکه دولتی حقیقتاً مایل یا قادر به رسیدگی نیست، با بی اعتنایی به حاکمیت مستقل دولت، تحقیقاتی را به عمل آورد و با این توجیه، بر اطلاعات و اسرار مملکتی تسلط یابد و آن را تحت فشار خود قرار دهد.

علاقه و توجه به این حوزه مهم، موجب شد تا تهیه کننده این رساله در سال ۱۳۸۴ در کمیته تهیه و تدوین «قانون دادرسی و کیفر جنایات بین المللی» معاونت تدوین قوانین و لوایح قوه قضائیه همکاری نماید که متأسفانه هنوز حاصل کار آن کمیته در فرآیند تصویب باقی مانده و همچنین به سفرهای تحقیقاتی متعدد در این رابطه عزیمت کند.

• پرسش های تحقیق

سوالاتی که در ذهن پژوهشگر او را به تحقیق در اطراف موضوع مشتاق نمود از قرار زیر بوده است:

۱. آیا صلاحیت تکمیلی به گونه ای که در اساسنامه تبیین شده است به واقع موید اولویت رسیدگی در مراجع داخلی است؟
۲. آیا صلاحیت تکمیلی قابلیت تحقق خواسته مطروحه در دیباچه اساسنامه یعنی خاتمه دادن به بی کیفی در جنایات بین المللی را دارد؟
۳. آیا در لوای اصل صلاحیت تکمیلی به نحوی که در اساسنامه تبیین شده است زمینه هایی برای رهایی جنایتکاران بین المللی از چنگال عدالت وجود ندارد؟
۴. آیا ملاک های معرفی شده در اساسنامه در مقام تبیین ناتوانی و عدم تمایل به دادرسی حقیقی کافی است؟
۵. آیا تقدم صلاحیتی مرجع بین المللی بر تکمیلی بودن آن برای برخورد موثر با جنایات بین المللی ارجحیت ندارد؟

• فرضیه های تحقیق

در بدو ورود به تحقیق و پس از مطالعه اجمالی در اطراف موضوع، ذهنیت پژوهش گر در پاسخ به پرسش های اصلی فوق الذکر به ترتیب زیر بوده است:

۱. کشمکش دو تفکر بنیادین فعالان عرصه عدالت کیفری بین المللی که یکی حامی ضرورت بی رقیب بودن مرجع بین المللی در واکنش به جنایات بین المللی و دیگری طرفدار ضرورت توسعه عدالت به نحو صعودی و از سطح داخلی بود و تا ساعات واپسین کنفرانس رم ادامه داشت باعث گردید که به نحوی زیرکانه علیرغم تصریح به تقدم صلاحیتی مرجع ملی، اسباب اولویت داشتن مرجع بین المللی به گونه ای نامحسوس در اساسنامه وجود داشته باشد که در مواقع ضرورت بتوان بی اعتنا به اصول صلاحیتی دیوان یا حداقل با تفسیری موسع از صلاحیت و قابلیت پذیرش موضوع به وضعیت هایی پرداخته شود که شاید مقتضای حقیقی صلاحیت تکمیلی نباشد؛ لذا صلاحیت دیوان حقیقتاً و صرفاً تکمیلی نیست.

۲. جنایات بین المللی ابعاد و آثار بسیار گسترده ای دارد که خاتمه دادن به بی کیفری عاملان آن محتاج همکاری همه دولتها و آحاد جامعه بشری است؛ لذا و با عنایت به محدودیت های دیوان، انتظار پایان بخشیدن به بی کیفری انتظاری زائد بر قابلیت های این نهاد است و باید رسالت آن را مبارزه با بی کیفری جنایت کاران بین المللی تعریف نمود.

۳. شروطی از جمله ضرورت شدت و وخامت جنایات ارتكابی، اقتضای عدالت، دامنه مصلحت اندیشی دادستان دیوان در تعقیب جنایات بین المللی را گسترش داده است. مضافاً اینکه به موجب اساسنامه، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز دارای اختیاراتی در ممانعت از اقدامات موثر دیوان در قبال جنایات بین المللی می باشد. لذا ظرفیت هایی در خود اساسنامه وجود دارد که مجال فرار جنایتکاران بین المللی از پیشگاه عدالت و بی کیفری ایشان را باعث می شود.

۴. علیرغم تلاش های صورت گرفته در انشاء اساسنامه، هرچند بسیاری از ضوابط ارائه شده واجد عینیت هستند اما همچنان برخی اصطلاحات مهم که منجر به تجویز اعمال صلاحیت دیوان می شود همچون دادرسی حقیقی، ناتوانی و عدم تمایل قابلیت تفسیر و تردید در مصداق هستند که با عنایت به

استانداردهای رسیدگی عادلانه که در اسناد بین المللی و اصول حقوقی به تفصیل بیان شده است این امور باید تبیین گردند.

۵. ضمن تاکید بر فرضیه نخست، نویسنده بر این باور است، مادامی که دستگاه عدالت ملی قادر و مایل به انجام وظایف ذاتی خود در تعقیب و مجازات جنایت کاران بین المللی باشد، باید از نقش و کارکرد موثر آن حمایت عملی صورت پذیرد و اجازه داد عدالت در سطح ملی، وجدان های مشوش را تسکین بخشد. لذا تفسیر مضیق از صلاحیت دیوان و قابلیت پذیرش موضوعات در دیوان موافق اصل است.

• پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه صلاحیت تکمیلی، موضوعی بدیع و فاقد پیشینه در ادبیات حقوق بین المللی کیفری بوده است، عمده پژوهش های دانشگاهی در عرصه بین المللی در این خصوص از زمان تصویب اساسنامه و به ویژه از سال ۲۰۰۲ و متعاقب لازم الاجرا شدن اساسنامه دیوان صورت گرفته است. در این باره می توان به کتابها، رساله های دکتری و مقالاتی که در عرض چند سال اخیر به زبان های خارجی به رشته تحریر در آمده است اشاره نمود که تفصیل آن در کتابنامه پایانی این رساله آورده شده است.

در داخل کشور نیز پژوهش هایی در موضوعات مختلف دیوان بین المللی کیفری صورت گرفته که بعضاً بی ارتباط با اصل صلاحیت تکمیلی دیوان نیست و یا در کتبی که به تحلیل اساسنامه پرداخته اند اوراکی چند به صلاحیت تکمیلی دیوان به طور کلی اشاره شده است که در کتابشناسی پایان این رساله به فهرست تفصیلی آن اشاره شده است. از این میان یکی از قابل توجه ترین آثار، مجموعه مقالات و سخنرانی هایی است که به اهتمام آقای حبیب آل اسحاق تحت عنوان ایران و دیوان کیفری بین المللی به زیور طبع آراسته شده است و در این رساله از مقالات آن بهره برداری شده است.

تنها پایان نامه ای که در مقطع فوق لیسانس در دانشگاه شهید بهشتی و در رشته حقوق بین الملل با موضوع «بررسی صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری» توسط آقای بهرام حیدری با راهنمایی آقای دکتر بیگ زاده و مشاورت آقای دکتر فلسفی در سال ۱۳۸۵ تدوین شده است. لکن با عنایت به مسائل مورد توجه در رشته تحصیلی نگارنده، تاثیر این مفهوم نوین بر عفو و مصونیت در ادبیات حقوق بین المللی مورد توجه بوده است.